



نمایش بمب‌متحرک ایران در نمایش ارتش، تانیاهورا لرزانند

وحشت از پهاد انتحاری

یادداشت روز

حلقه مشترک اسرائیل و زنجیره‌های‌ها

مجتبی اصغری

سال‌هاست مجموعه‌ای از عوامل نزدیک به لابی اسرائیل در آمریکا می‌کوشند با ارتباط‌گیری مستقیم با بخشی از رسانه‌های ایرانی، فرصت تأثیرگذاری مستقیم بر اذهان عمومی را به صورت پایدار حفظ کنند. از دهه ۸۰ تاکنون مدیریت این سیستم بر عهده وزارت خارجه آمریکا بوده و در این بین «رسانه‌های زنجیره‌ای» در ایران همواره نقش «پذیرنده منفعل» را اجرا کرده‌اند. تلاش برای انعکاس بی‌کم و کاست «شعراهای غرب» در داخل جامعه ایرانی با تبدیل شدن به تریبونی متکثر، منقاد و بی‌نظر، توأم با هزینه‌دهی حداکثری و راضی شدن به مقام بی‌ارزش «پناهندگی» بدون مزایای بازنشستگی در کرسی‌های «ایران هراسی»، تصویری آشکار از ۲۰ سال «مزدوری خاموش» این برادران و خواهران ناتنی آمریکا و اسرائیل در خاک وطن بر جای گذاشته است.

اما اخیراً مجموعه رسانه‌های زنجیره‌ای با روشویی از لابی چندمنظوره ایرانیان صهیونیست در آمریکا، تلاش می‌کنند قابلیت‌های بیشتری از خود بروز دهند. نزدیک شدن به عناصر لابی امنیتی نایاک که مدیران آن هر ساله توقیف حضور در خصوصی‌ترین هم‌اندیشی صهیونیست‌ها در «کنفرانس هرتلیا» را می‌یابند، توأم با «سانسور مواضع ایران‌ستیزانه» آنها در رسانه‌های زنجیره‌ای، حقیقتاً پروژه‌ای خطرناک می‌نماید.

به طور مثال یک روزنامه زنجیره‌ای تازه‌وارد در شماره نخست خود با سانسور مواضع ضد ایرانی «ترتیا پارسی» - مدیر نایاک- در مقاله منتشر شده در هافینگتون پست، با حذف بخش‌هایی از مقاله که نویسنده در آن برآورده شدن افراض ضد ایرانی آمریکا به دنبال تحریم‌ها و به‌دنبال آن اجرا نشدن خواسته‌های این کشور در ایران را لازمه تغییر سیاست «تحریم» می‌داند؛ عملاً موضع وی نسبت به ایران را پنهان ساخته است. مدیر تشکیلات امنیتی نایاک در بخش‌های ترجمه نشده مقاله خود می‌گوید: «سیاست به‌انزوا کشاندن ایران توسط آمریکا آمشابه کوبا» در طول سالیان شدیدتر است. سیاست اما آیت‌الله‌ها و جمهوری اسلامی به صورت پایدار، محکم سرچاهی خود باقی مانده‌اند. به عنوان یک طرفدار اصلاحات دموکراتیک و مدافع حقوق بشر گواهی می‌دهم که تحریم‌ها به تشدید فضای امنیتی و محدود شدن فرصت‌های اندک تغییر منجر شده است. در صورتی که ما به صورت بالقوه می‌توانیم این دوره را تا دهه‌ها ادامه دهیم اما دلایل کمی برای عملی شدن انتظار تسلیم شدن آیت‌الله‌ها وجود دارد»^۱

این صدای مشکاور برگزیده بنیاد برادران فراماسون را کفتر است که در ایران پیشنهادهای می‌دهد برای فتح دروازه‌های ایران و شکست دادن حاکمیت مردمی ایران، به جای سیاست «دشمنی»، آن روی تاس دیپلماسی آمریکا را نشان دهد. در حقیقت ترتیا پارسی «دشمن باهوش» ایران است که به اوپاما پیشنهاد می‌دهد در ظاهر هم که شده به منظور جلوگیری از منتفض شدن شکست‌سیاست به‌انزوا کشاندن ایران با تحریم‌ها کم‌تر، دستکش خملی را بر دست چدنی بکشد. اما در صدای منعکس شده در «برداشت آزاد» رسانه جدیدالتاسیس زنجیره‌ای‌ها، تنها‌نوی «حازه» دهدا امیدوار باسیم» شنیده می‌شود.

عینا همین بارتاب غلط از درون جامعه آمریکا در مقالات منتشر شده به قلم «علی واعظ» نیز در سایر رسانه‌های زنجیره‌ای به چشم می‌خورد. او هم از مرتبطان یکی از امنیتی‌ترین عناصر نایاک «رضا مرعشی» است که تصاویر پالوده خوری آنها در رؤسای سابق موساد در اندیشکده‌های آمریکایی چون پاکواش، وودرو ویلسون، گروه بین‌المللی بحران، بلغر و برکوینز فراوان منتشر شده است. واعظ در یادداشت یک رسانه دولتی، با دمیدن در تر مسورد علاقه‌سناسرتیلی‌ها- «دوگانه‌نمایی خاستگاه قدرت در آمریکا»- می‌نویسد: «آنچه وضع تحریم‌های همه‌جانبه بر ایران را در چند سال اخیر ممکن ساخت، پیش از آنکه محصول فضیلت‌های هسته‌ای ایران بوده باشد، ناشی از چهره منفی‌ای بود که از کشور در فضای بین‌المللی طی چند سال عملیات گسترده ایران‌هراسی ترسیم شده بود. این تصویر مخدوش، ایران را کشوری معرفی می‌کرد که نیتی جز دستیابی به سلاح هسته‌ای ندارد، در مذاکره جای نیست و با دنیا سر تقابل دارد. در یک سال گذشته ۲ عامل این تصویر را دگرگون کرده: یکی جدیت ایران در مذاکرات هسته‌ای و دیگری پایبندی‌اش در عمل به تعهداتش ذیل برنامه اقدام مشترک «زنو».

این به اصطلاح کارشناس تربیت شده در گروه بین‌المللی بحران وابسته به تشکیلات جورج سوروس صهیونیست، در ادامه با تعریف و تمجید از دولت روحانی تأکید می‌کند ایران به همه قول‌های خود به غرب عمل کرده و تنها عده‌ای «بدخواه» در آمریکا ادعاهایی مضحک علیه ایران را تکرار می‌کنند!

ادامه در صفحه ۵

غائله ۸۸ چگونه کشور را در گرداب تحریم‌های بی‌سابقه فرو برد؟ نان تحریم در تنور فتنه

اعتراف آمریکایی؛ روایت مقام‌ها و منابع غربی از شکنجه اقتصادی ملت ایران در حمایت از آشوبگران



تهران میدان ولیعصر (عج)، یک کارگر در کمین «مافانوش نمی‌کنیم» - کمکس مهدی جادری وطن امروز

خود را از دست داده و حتی آن دسته از آشوبگرانی که به طور سازمان‌یافته سعی در رونق دادن به مرده‌ریگ فتنه داشتند، توان خود را به طور کامل از دست داده‌اند. داستان دقیقاً از همین نقطه، یعنی جایی آغاز می‌شود که آمریکایی‌ها به این ارزیابی می‌رسند که «پتانسیل‌های داخلی» فتنه ۸۸ پایانه یافته و فتنه نیازمند تنفس مصنوعی از بیرون است. نخستین‌بار روز ۱۳ فروردین، به‌لراک اوپاما رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد خواستار آن است که شورای ۱۵ عضوی امنیت سازمان ملل در عرض چند هفته و نه چند ماه قطعنامه تحریم‌های جدیدی را علیه ایران به علت برنامه هسته‌ای‌اش تصویب کند. وی این سخنان را در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نیکلا سارکوزی رئیس‌جمهور وقت فرانسه بیان کرد.^۱

روز بعد، اوپاما در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی CBS آمریکا گفت: همه مدارک نشان می‌دهد تهران در تلاش برای دستیابی به توان تسلیحات هسته‌ای است. اوپاما گفت: ایران با چنین توانایی‌ای می‌تواند زندگی را در خاورمیانه بی‌ثبات کند و رقابت تسلیحاتی را در منطقه به راه اندازد. وی نتیجه گرفت: «من فکر می‌کنم ایده کنونی ادامه افزایش فشارهاست».

کردند که آمریکا آشکارا و به طرز غیرقابل فهمی، «عجله» دارد. هیسلاری کلیتون، وزیر وقت خارجه آمریکا به پیش‌بینی کرد شورای امنیت در زمینه تحریم‌های جدید ایران به اجماع خواهد رسید.^۲

قبل از همه اینها، هاوارد برمن، رئیس کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا، یک هفته پیش‌تر، در سخنرانی در صحن مجلس گفته بود: ما به پیش‌بینی تحریم‌ها و در سریع‌ترین زمان ممکن اقدام به تحریم‌ها برای آمریکا تحریم مهم بوده نه مدیریت ذخایر مواد هسته‌ای ایران.

این موضوع چنان آزاردهنده بود که حتی رسانه‌های غربی به نتوانستند از کنار آن به سادگی بگذرند. برخی منابع غربی گفتند واقعا باید پرسید آمریکا به چه دلیل پیشنهادی را که خود ارائه کرده رد می‌کند؟^۳

روزنامه انگلیسی تایمز در توصیف یکی از پنهان‌های آمریکا برای نپذیرفتن بیانه تهران نوشت: «مقامات آمریکایی و انگلیسی می‌گویند ایران ممکن است از این فرصت برای شکاف انداختن میان حامیان تحریم که به سختی در یک جبهه گرد آمده‌اند استفاده کند»^۴.

این جمله معنای بسیار مهمی دارد و معنای حقیقی آن این است که غربی‌ها می‌گویند حالا که به هدف اصلی‌شان که ایجاد اجماع برای تحریم ایران است رسیده‌اند، دیگر برای شان مهم نیست که ایران با پیشنهاد میادله سوخت چه می‌کند؛ چرا که در واقع هدف از طراحی کل این فرآیند و ارائه پیشنهاد وین به تهران، تحریم ایران با انگیزه حمایت از فتنه سبزه بوده و غربی‌ها به هیچ وجه آنقدرها که ادعا می‌کنند از ذخیره مواد هسته‌ای در ایران نگران نیستند.

ادامه در صفحه ۶

تحریم‌های اقتصادی فلج‌کننده کنند، کاملاً شفاف و صریح است. نه مقام‌های دولتی آمریکا و نه رسانه‌ها و خود آن را سست‌نگین‌ترین تحریم‌های طول تاریخ می‌خوانند، واقعا چه بوده و این تحریم‌ها در اصل چه هدفی را تعقیب می‌کرده، بسیار پیچیده و در عین حال بااهمیت است. آمریکایی‌ها- و برخی گروه‌های داخلی هم‌فکر و همراه آنها- در این سال‌ها، کلیشه‌ای ساخته‌اند مبنی بر اینکه علت اصلی اعمال تحریم‌ها، سیاست هسته‌ای ایران و نوع تعاملی است که ایران در این باره با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته است. ایران فی‌المثل در موضوع هسته‌ای طور دیگری رفتار می‌کرد، تحریم‌ها هم با اصلا اعمال نمی‌شد یا اینکه حداقل قدرت و شدت فعلی را نداشت.

این نوشته که براساس یک مطالعه کتابخانه‌ای کم و بیش وسیع آماده شده، استدلال خواهد کرد این نوع نگاه به مساله کاملاً غیرواقعی و بلکه گمراه‌کننده است. رژیم تحریم‌های فعلی ایران، ریشه در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت دارد که ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰) صادر شد. تمام تحریم‌های یکجانبه‌ای که اکنون به‌عنوان تحریم‌های موثر علیه ایران از آنها یاد می‌شود (تحریم‌های انرژی و مالی) در واقع براساس زیرساخت حقوقی که در این قطعنامه ایجاد شد، اعمال شده است. اما این قطعنامه-چنانکه با جزئیات نشان خواهیم داد- اساساً نه یک قطعنامه هسته‌ای است و نه با هدف واکنش نشان دادن به سیاست‌های هسته‌ای ایران اعمال شده است. قطعنامه ۱۹۲۹ دقیقاً در سالگرد فتنه ۸۸ تصویب شد، محصول تعامل راهبردی آمریکا و متحدانش درباره نحوه کمک به فتنه ۸۹ در ایران - که رو به افول نهاده بود- و یکی از خروجی‌های بازنگری استراتژیک آمریکا در سیاست خود درباره ایران پس از فتنه ۸۸ است. زمستان ۸۸ و بهار ۸۹ بحث‌های مفصل و بسیار مهمی در آمریکا صورت گرفت در این باره که آمریکا چگونه باید با توجه به تحولات داخلی ایران، راهبرد خود را بازتنویس کند تا در تغییر محاسبات مردم و حاکمیت در ایران موفق باشد. این بازنگری، اگرچه در اصل یک فعالیت بشدت پنهان حرون دولت آمریکا بوده است اما کاملاً محرمانه نمانده و در همان ایام بخش‌های مهمی از آن به محیط علنی و رسانه‌ای راه یافت. در واقع تصمیم به اینکه اعمال تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی علیه ملت ایران، بهترین راه حمایت از جنبش سبزه و جلوگیری از میرایی آن در محیط داخلی ایران است، محصول مباحث و مذاکراتی بسیار بلندادمنه در محیط سیاستگذاری استراتژیک دو حزبی آمریکا بوده که تا امروز به هیچ‌وجه مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. این در حالی است که اگر به ادبیاتی که در آن مقطع از سوی مقام‌های رسمی، تحلیلگران، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی در این باره تولید شده مراجعه کنیم، به سرعت درخواهیم یافت این ادبیات از این حیث که به ما بگوید هدف واقعی اعمال تحریم‌ها چه بوده و اساساً چه چیزی آمریکایی‌ها را متقاعد کرد تحریم‌های خلع سلاخی را بدل به

بهار ۸۹: احساس خطر در واشنگتن

بهار ۸۹ با اوج گرفتن بحث‌ها درباره ضرورت اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران در اروپا و آمریکا آغاز می‌شود. نخستین جملات مقام‌های آمریکایی وقتی مردم ایران از تعطیلات نوروزی بازمی‌گشتند چیزی در این حول و حوش بود که وقت تحریم‌های جدید فرارسیده است. چنانکه هویدایم گفت، مائشین بروکرانیک، سبسیستم رسانه‌ای و دستگاه اطلاعاتی آمریکا کاملاً آماده بودند اجرای یک سناریوی از پیش آماده را درباره مرتبط نشان دادن دور جدید تحریم‌ها با برنامه هسته‌ای ایران آغاز کنند. این بازی تقریباً بلافاصله آغاز شد ولی شکل آن به گونه‌ای بود که با کم‌ترین وقت می‌شد فهمید پیش از آنکه خود حقیقت داشته باشد، تلاشی برای پوشاندن یک حقیقت مهم‌تر است. قبل از اینکه ببینیم چگونه در مدت زمانی بسیار کوتاه مذاکرات مربوط به اعمال یکی از تندروانه‌ترین قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت به فرجام رسید، خوب است به یاد بیاوریم بهار ۸۹ در حالی از راه رسید فتنه ۸۹ در جریان فتنه در ایران تقریباً به طور کامل توان خود را از دست داده بود. این‌جریان در ۲۲ بهمن ۸۸ با استفاده از استراتژی‌ای که «اسب تروا» نامیده شد، سعی کرد راهپیمایی انقلابی مردم را مصادره کرده و با سواستفاده از فضای کارناوالی جشن ۲۲ بهمن، بار دیگر عرض اندام کند. اما شوک ناشی از خیزش مردمی ۹ دی به گونه‌ای بود که این جریان در عمل هیچ توفیقی به دست نیاورد و ۲۲ بهمن بدل به یکی از پرشورترین تجمعات ضدفتنه در کشور شد. این امر آنقدر برای طراحان استراتژی اسب تروا مایوس‌کننده بود که به سرعت به جان یکدیگر افتادند و استراتژی جریان خویش را «خر تروا» خواندند. تلاشی بسیار گه‌م‌تر و ویمیدانه‌تر هم در روزهای منتهی به چهارشنبه آخر سال ۸۸ انجام شد تا شاید در این روز فرصتی برای جبران فضاحت استراتژی اسب تروا پیدا شود. نتیجه بسیار فاجعه‌بارتر بود و شاید برای اولین بار، شهر تهران، یک چهارشنبه آخر سال بسیار آرام پذیرش طرح انتقال اورانیوم به خارج از ایران با فرمولی غیر از بیانه تهران است. سه کشور آمریکا، روسیه و

مهدی محمدی: پاسخ این پرسش که علت واقعی اعمال رژیمی از تحریم‌ها علیه ایران که آمریکایی‌ها خود آن را سست‌نگین‌ترین تحریم‌های طول تاریخ می‌خوانند، واقعا چه بوده و این تحریم‌ها در اصل چه هدفی را تعقیب می‌کرده، بسیار پیچیده و در عین حال بااهمیت است. آمریکایی‌ها- و برخی گروه‌های داخلی هم‌فکر و همراه آنها- در این سال‌ها، کلیشه‌ای ساخته‌اند مبنی بر اینکه علت اصلی اعمال تحریم‌ها، سیاست هسته‌ای ایران و نوع تعاملی است که ایران در این باره با جامعه بین‌المللی در پیش گرفته است. ایران فی‌المثل در موضوع هسته‌ای طور دیگری رفتار می‌کرد، تحریم‌ها هم با اصلا اعمال نمی‌شد یا اینکه حداقل قدرت و شدت فعلی را نداشت.

این نوشته که براساس یک مطالعه کتابخانه‌ای کم و بیش وسیع آماده شده، استدلال خواهد کرد این نوع نگاه به مساله کاملاً غیرواقعی و بلکه گمراه‌کننده است. رژیم تحریم‌های فعلی ایران، ریشه در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت دارد که ۲۵ خرداد ۱۳۸۹ (ژوئن ۲۰۱۰) صادر شد. تمام تحریم‌های یکجانبه‌ای که اکنون به‌عنوان تحریم‌های موثر علیه ایران از آنها یاد می‌شود (تحریم‌های انرژی و مالی) در واقع براساس زیرساخت حقوقی که در این قطعنامه ایجاد شد، اعمال شده است. اما این قطعنامه-چنانکه با جزئیات نشان خواهیم داد- اساساً نه یک قطعنامه هسته‌ای است و نه با هدف واکنش نشان دادن به سیاست‌های هسته‌ای ایران اعمال شده است. قطعنامه ۱۹۲۹ دقیقاً در سالگرد فتنه ۸۸ تصویب شد، محصول تعامل راهبردی آمریکا و متحدانش درباره نحوه کمک به فتنه ۸۹ در ایران - که رو به افول نهاده بود- و یکی از خروجی‌های بازنگری استراتژیک آمریکا در سیاست خود درباره ایران پس از فتنه ۸۸ است. زمستان ۸۸ و بهار ۸۹ بحث‌های مفصل و بسیار مهمی در آمریکا صورت گرفت در این باره که آمریکا چگونه باید با توجه به تحولات داخلی ایران، راهبرد خود را بازتنویس کند تا در تغییر محاسبات مردم و حاکمیت در ایران موفق باشد. این بازنگری، اگرچه در اصل یک فعالیت بشدت پنهان حرون دولت آمریکا بوده است اما کاملاً محرمانه نمانده و در همان ایام بخش‌های مهمی از آن به محیط علنی و رسانه‌ای راه یافت. در واقع تصمیم به اینکه اعمال تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی علیه ملت ایران، بهترین راه حمایت از جنبش سبزه و جلوگیری از میرایی آن در محیط داخلی ایران است، محصول مباحث و مذاکراتی بسیار بلندادمنه در محیط سیاستگذاری استراتژیک دو حزبی آمریکا بوده که تا امروز به هیچ‌وجه مورد مطالعه دقیق قرار نگرفته است. این در حالی است که اگر به ادبیاتی که در آن مقطع از سوی مقام‌های رسمی، تحلیلگران، اندیشکده‌ها و رسانه‌های آمریکایی در این باره تولید شده مراجعه کنیم، به سرعت درخواهیم یافت این ادبیات از این حیث که به ما بگوید هدف واقعی اعمال تحریم‌ها چه بوده و اساساً چه چیزی آمریکایی‌ها را متقاعد کرد تحریم‌های خلع سلاخی را بدل به

تئریهای روز

علی لاریجانی:

دولت مطیع قانون باشد

گزارش بر داشت غیرقانونی ۴/۱ میلیارد دلاری از صندوق توسعه ملی در صحن مجلس قرائت شد



یک ایرپاس ۳۲۰ خطوط هوایی ایرنیشیا با ۱۶۳ سرنشین از بین رفت

سومین سقوط سال مالزیایی‌ها

افشای یکی خلبان بازنشسته فرانسوی از نقش آمریکایی‌ها در ربودن پرواز ناپدید شده MH-370

درگیری با سارقان مسلح رخ داد

شهادت ۳ پلیس در گلپایگان

«هواي تازه» به قلم احسان محمد حسینی را در صفحه آخر بخوانید

کلام روز

۸ دی ۸۸ تبریز باز هم پیشتازیش را ثابت کرد

آیت‌الله محسن مجتهدشیرازی *

۱- با توجه به واژه «فتنه» که قرآن کریم با معانی متعددی اعم از امتحان، عذاب، مصیبت، بلیه و... از آن یاد کرده است و می‌فرماید: «یا مردم گمان می‌کنند آنها را به حال خویش رها می‌کنیم و آنان هرگز «متحان» نمی‌شوند»، «بکشید عذاب الهی» که اصلا کفار و معصیت‌کاران به واسطه عمل‌هایی که مرتکب شده‌اید»، «فتنه از قتل هم بالاتر است» و... درمی‌یابیم فتنه در جمهوری اسلامی ایران با توجه به این معانی به طور متعدد رخ داده است اما در رابطه با جریان سال ۸۸ «فتنه» پس از انتخابات ریاست جمهوری با ادعای دروغین تقلب در انتخابات، از سوی ۲ تن از نامزدهای انتخاباتی که رأی کمتری کسب کرده بودند به وقوع پیوست به گونه‌ای که نصایح خردمندانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی، توصیه‌های دلسوزان و علاقه‌مندان به انقلاب و نظام و حتی دعوت ولی‌فقیه از مسؤوّلان ستادهای آن کاندیداها در راستای مرتفع شدن این جریان نیز موثر واقع نشد و عناد برخی سران فتنه و نقشه‌های شوم دشمنان خارجی با دعوت از مردم به تظاهرات، ایجاد التهاب و آشوب و... ۸ ماه در کشور ادامه یافت و امنیت کشور و آرامش مردم را دچار اختلال کرد.

۲- در جریان فتنه عزای حضرت سیدالشهدا(ع) ناهشی‌ها و تظاهرات در روزهای مابین ۱۳ آبان، روز قدس، عاشورا و... به وقوع پیوست تا جایی که در روز قدس که ملت ایران در حمایت از فلسطین اقدام به راهپیمایی کردند، عوامل فتنه با سر دادن شعار «نه غزه، نه لبنان» مخالف خود را نسبت به مقدسات اسلامی از جمله مساله مهم دینی قدس شریف که اشغال شده است، نشان دادند تا اینکه در روز عاشورا این‌عده معدود و ضدانقلاب که در میان مردم سداهلوح به تظاهرات می‌پراختند جسارت را از حد گذراندند و با وقاحت، اقدام به آتش زدن فتنه عزای حضرت سیدالشهدا(ع) کرده، به سوی عزاداران حسینی سنگ پرت کردند، عکس‌های حضرت امام و رهبر انقلاب را پاره کرده و در برخی از تکایا و مساجد حتی قرآن‌ها را آتش زدند.

۳- پس از ۲ روز از این واقعه شوم و تاریک، هشتم دی ماه ۸۸، مردم غیور تبریز با ناراحتی بسیار از آنچه در تهران رخ داده بود، در راستای نشان دادن مخالفت خود با چنین رفتارهایی بی‌شرمانه‌ای که نسبت به ارزش‌های اسلام و انقلاب و عاشورای حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام روا داشته شده بود، دست به برگزاری راهپیمایی گسترده‌ای زدند. ادامه در صفحه ۱۶



۱- با توجه به واژه «فتنه» که قرآن کریم با معانی متعددی اعم از امتحان، عذاب، مصیبت، بلیه و... از آن یاد کرده است و می‌فرماید: «یا مردم گمان می‌کنند آنها را به حال خویش رها می‌کنیم و آنان هرگز «متحان» نمی‌شوند»، «بکشید عذاب الهی» که اصلا کفار و معصیت‌کاران به واسطه عمل‌هایی که مرتکب شده‌اید»، «فتنه از قتل هم بالاتر است» و... درمی‌یابیم فتنه در جمهوری اسلامی ایران با توجه به این معانی به طور متعدد رخ داده است اما در رابطه با جریان سال ۸۸ «فتنه» پس از انتخابات ریاست جمهوری با ادعای دروغین تقلب در انتخابات، از سوی ۲ تن از نامزدهای انتخاباتی که رأی کمتری کسب کرده بودند به وقوع پیوست به گونه‌ای که نصایح خردمندانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی، توصیه‌های دلسوزان و علاقه‌مندان به انقلاب و نظام و حتی دعوت ولی‌فقیه از مسؤوّلان ستادهای آن کاندیداها در راستای مرتفع شدن این جریان نیز موثر واقع نشد و عناد برخی سران فتنه و نقشه‌های شوم دشمنان خارجی با دعوت از مردم به تظاهرات، ایجاد التهاب و آشوب و... ۸ ماه در کشور ادامه یافت و امنیت کشور و آرامش مردم را دچار اختلال کرد.

۲- در جریان فتنه عزای حضرت سیدالشهدا(ع) ناهشی‌ها و تظاهرات در روزهای مابین ۱۳ آبان، روز قدس، عاشورا و... به وقوع پیوست تا جایی که در روز قدس که ملت ایران در حمایت از فلسطین اقدام به راهپیمایی کردند، عوامل فتنه با سر دادن شعار «نه غزه، نه لبنان» مخالف خود را نسبت به مقدسات اسلامی از جمله مساله مهم دینی قدس شریف که اشغال شده است، نشان دادند تا اینکه در روز عاشورا این‌عده معدود و ضدانقلاب که در میان مردم سداهلوح به تظاهرات می‌پراختند جسارت را از حد گذراندند و با وقاحت، اقدام به آتش زدن فتنه عزای حضرت سیدالشهدا(ع) کرده، به سوی عزاداران حسینی سنگ پرت کردند، عکس‌های حضرت امام و رهبر انقلاب را پاره کرده و در برخی از تکایا و مساجد حتی قرآن‌ها را آتش زدند.

۳- پس از ۲ روز از این واقعه شوم و تاریک، هشتم دی ماه ۸۸، مردم غیور تبریز با ناراحتی بسیار از آنچه در تهران رخ داده بود، در راستای نشان دادن مخالفت خود با چنین رفتارهایی بی‌شرمانه‌ای که نسبت به ارزش‌های اسلام و انقلاب و عاشورای حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام روا داشته شده بود، دست به برگزاری راهپیمایی گسترده‌ای زدند. ادامه در صفحه ۱۶